



دو شعر از میثم روایی دیلمی

رفتن باد...

این شعر در تاریخ دوازدهم ژوئن ۲۰۱۲ با ترجمه و خوانش دوزبانه‌ی رضا اسپیلی (فارسی) و ورونیک سژه (فرانسه) در رادیو فرانسه، فرانس موزیک، برنامه‌ی "Contes du jour et de la nuit" خوانده شده‌است.

رفتنِ باد،

نرفتنِ باد است

نرفتنِ باد،

طرحِ تلاشِ عبث

طرحِ عذاب

بر صفحه‌یی که می‌رفت...

طرحِ عذاب بودم

بر صفحه‌یی که رفت،

و باد در میانِ باد

نمی‌رفت.

هشتم فروردینِ نود

در قاب

این شعر در تاریخ چهاردهم ژوئن ۲۰۱۲ با ترجمه و خوانش دوزبانه‌ی رضا اسپیلی (فارسی) و ورونیک سُژِه (فرانسه) در رادیو فرانسه، فرانس موزیک، برنامه‌ی "Contes du jour et de la nuit" خوانده شده‌است.

غیاب را
یک قاب
محصور می‌کند.
بیرونِ قاب،
حضور
آزادیِ حضور...

در قابِ پنجره می‌مانم:
یک شکلکِ عجیب که بی‌شکل می‌شود
در چشمِ عابران.

وقتی حضور، شکلِ عبور دارد
فریادهایِ شکلکِ بیچاره بی‌صداست
از قابِ پنجره بر سطح،
سطحِ سمتیِ معبر.

خاموش می‌مانم:
تمامِ منظره، معبر
تمامِ معبر
یک قاب می‌شود
غیاب می‌شود.

دهمِ آبانِ نود